



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

The Right to Flee in Self-defense; Jurisprudential and Legal Study

Seyyed Sajjad Kazemi ^{1*}

1. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Literature and Humanity, Malayer University, Malayer, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 19-34

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-9943-3150

TELL: +989183861934

Email: sskazemi92@malayeru.ac.ir

Article history:

Received: 27 Oct 2021

Revised: 20 Nov 2021

Accepted: 03 Dec 2021

Published online: 22 Dec 2021

Keywords:

Legitimate Defense,

Necessity,

Aggression,

Escape.

ABSTRACT

The present article seeks to explain the various hypotheses in which the defender can stand against the attack and defend him or others, despite the possibility of escape, by using the descriptive-analytical method and using the resources of existing libraries, both internal and external. Reflecting on jurisprudential sources as well as the laws of other countries, it becomes clear that none of them had an absolute permissible or negative approach to the issue of the right to escape in legitimate defense and tried to impose the "principle" on the necessity of escape if possible, but each Depending on the location and time, and even the personality of the defender and the attacker, exceptions have been made. In addition, in any of the jurisprudential texts or foreign sources, the defender is obliged to flee when the conditions for a "safe escape" exist for him. It is worthwhile for the Iranian legislator, while reforming the legal status of self-defense, to specify the various assumptions and cases of the possibility of escape and to determine the legal ruling of each.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2021 The Authors.

How to Cite This Article: Rezaei, R (2021). "The Right to Flee in Self-defense; Jurisprudential and Legal Study" . *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 1(4): 19-34.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره اول، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

حق فرار در دفاع مشروع؛ مطالعه فقهی و حقوقی

سید سجاد کاظمی^{*۱}

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران.

چکیده

نوشتر حاضر با روش توصیفی تحلیلی و با به‌کارگیری منابع کتابخانه‌ای موجود اعم از داخلی و خارجی به دنبال تبیین و تشریح فروض مختلفی است که در آن‌ها مدافع علی‌رغم داشتن امکان فرار می‌تواند در برابر تهاجم صورت گرفته ایستادگی کرده و به دفاع از خود یا دیگری مبادرت نماید. با تأمل در منابع فقهی و همچنین قوانین کشورهای دیگر معلوم می‌گردد که هیچ‌کدام رویکرد جواز یا سلبی مطلق به مسئله حق فرار در دفاع مشروع نداشته و تلاش داشته‌اند که علی‌رغم اینکه «اصل» را بر وجوب فرار در صورت داشتن امکان آن قرار دهند اما هرکدام به فراخور وضعیت مکانی و زمانی و حتی شخصیتی مدافع و مهاجم قائل به استثنائاتی نیز شده‌اند. به‌علاوه در هیچ‌کدام از متون فقهی و یا منابع خارجی مدافع زمانی مکلف به فرار بوده که شرایط یک «فرار ایمن» برای وی وجود داشته باشد. شایسته است قانون‌گذار ایرانی ضمن اصلاحاتی در وضعیت قانونی دفاع مشروع، فروض و موارد مختلف امکان‌سنجی فرار را مورد تصریح قرار داده و حکم قانونی هر یک را معلوم نماید.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۹-۳۴

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد اریکد: ۳۱۵۰-۹۹۴۳-۲-۰۰۰-۰۰۰-۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۸۳۸۶۱۹۳۴

ایمیل: sskazemi92@malayeru.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۵

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

دفاع مشروع، ضرورت، تجاوز، فرار.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

مشروع بایستی اثبات گردند اما ارتباط چندانی با نوشتار حاضر نداشته و برای مطالعه آن‌ها می‌توان به سایر کتب و مقالات مربوطه رجوع نمود.

مهم‌ترین و درعین‌حال بحث‌برانگیزترین موضوع مطرح در شرط ضرورت دفاع مشروع، امکان‌سنجی فرار است. منظور از امکان‌سنجی فرار در شرط ضرورت این است که آیا پس از تحقق شرط ضرورت دفاع هم چنان شخص مورد تهاجم قرار گرفته باوجود امکان فرار از مهلکه می‌تواند به دفاع از خود در حد متعارف بپردازد یا که مکلف به فرار کردن می‌باشد. برای یافتن بهترین نحوه برخورد بایستی به این سؤال مهم پاسخ داده شود که آیا فرار همان‌طور که فقها پنداشته‌اند - از مصادیق قاعده فقهی الاسبه فالاسبه می‌باشد یا خیر؟ به عبارتی بهتر آیا فرار از مصادیق دفاع کردن است؟

پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای به دنبال این هدف است که مهم‌ترین فروضی که در آن‌ها مدافع علی‌رغم داشتن فرصت فرار اما می‌تواند ایستادگی کرده و اقدام به دفاع از خویشتن یا دیگری نماید را شناسایی نموده و در این راستا از پژوهش‌های مرتبط اعم از داخلی و خارجی استفاده خواهد شد. اگرچه تا به حال پژوهش‌هایی چه در سطح کتاب و چه در سطح مقاله و سایر منابع تحقیقی پیرامون موضوع دفاع مشروع و جوانب آن انجام شده اما با مذاقه در منابع در دسترس مشخص می‌گردد که هیچ‌کدام به‌صورت مجزا و اختصاصی موضوع امکان‌سنجی فرار را مورد پژوهش قرار نداده و به این مسئله بسیار مهم در حد یک یا چند پاراگراف در خلال دیگر مباحث اشاراتی داشته‌اند. بنابراین ضروری است که پژوهشی مستقل به بررسی امکان‌سنجی فرار اختصاص یافته و جوانب مختلف امر را مورد سنجه قرار دهد.

از آنجایی که شناخت شرط ضرورت در میان شرایط متعدد پذیرش دفاع مشروع ارتباط مستقیمی با موضوع اصلی این نوشتار یعنی تحلیل امکان‌سنجی فرار دارد، لازم است که در وهله نخست شرط ضرورت در دفاع مشروع تحلیل شده و ابعاد مختلف آن روشن گردد و در ادامه به تحلیل امکان‌سنجی فرار پرداخته شود.

دفاع مشروع^۱ یا دفاع شخص از خود و اطرافینش در برابر تهاجمات دیگران، یکی از حقوق فطری و شناخته‌شده افراد از دیرباز است. اما با پیدایش اجتماعات و شکل‌گیری حکومت‌ها برای جلوگیری از هرج‌ومرج و بروز بی‌نظمی اجتماعی مطابق یک قرارداد نانوشته که روسو از آن به «قرارداد اجتماعی»^۲ تعبیر می‌کند، اعضای جامعه این حق را از خود سلب کرده و به حکومت واگذار می‌نمایند. بنابراین حکومت نیز با به‌کارگیری نیروهایی و با در اختیار دادن ابزار و وسایلی مانند سلاح گرم، حق دستگیری، بازداشت و زندان در اختیار ایشان اقدام به محافظت از اشخاص در برابر تهاجم دیگران می‌کند. اما در شرایط و موقعیت‌های خاصی ممکن است فردی مورد تهاجم شخص یا اشخاص دیگری واقع شده و حکومت نیز نتواند به وظیفه خود برای حفاظت از وی در برابر تهاجم عمل نماید؛ در این صورت است که حق فطری و طبیعی فرد برای دفاع، مجدداً به وی بازمی‌گردد و می‌تواند به‌تنهایی آن را اعمال نماید.

اگرچه این حق در موقعیت پیش‌گفته در تمامی نظام‌های حقوقی امروزی مورد پذیرش قرار گرفته است اما بی‌ضابطه و بدون قید و شرط نمی‌باشد. در واقع حق دفاع مشروع زمانی از جانب متهم (مدعی دفاع) مورد پذیرش دادگاه واقع می‌شود که شخص بخواهد از جان، مال، عرض، ناموس یا آزادی تن خود یا دیگری دفاع نموده، تهاجم به‌صورت فعلی یا قریب‌الوقوعی بوده و تمامی شرایط قانونی زیر را نیز مطابق ماده ۱۵۶ ق.م.ا رعایت کرده باشد؛ «الف- رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد. ب- دفاع مستند به قراین معقول یا خوف عقلایی باشد. پ- خطر و تجاوز به‌سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد. ت- توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود.» آنچه در میان شرایط فوق در موضوع پژوهش حاضر از اهمیت برخوردار می‌باشد شرط ضرورت در دفاع مشروع است. در واقع سایر شرایط دفاع مشروع اگرچه مهم‌اند و در راستای پذیرش دفاع

^۱ - Legitimate defence

^۲ - Social contract

۱- شرط ضرورت دفاع در دفاع مشروع و اهمیت آن

شرایط دفاع مشروع همان‌طور که برخی از حقوقدانان هم گفته‌اند ذیل دو شرط کلی ضرورت داشتن دفاع و متناسب بودن آن با تهاجم قابل‌جمع است. (استفانی و دیگران، ۱۳۷۷: ۵۰۲؛ عوده، ۱۹۶۸: ۴۸۲؛ عطار، ۱۹۸۱: ۶۴) صرف‌نظر از بحث تناسب دفاع و تهاجم که ارتباط چندانی با موضوع این نوشتار ندارد، اما شرط ضرورت یکی از بنیادین و ابتدایی‌ترین شروط تحقق دفاع مشروع است و در میزان اهمیت آن همین‌قدر می‌توان گفت که در صورت عدم تحقق آن، توسل به دفاع مشروع نیز به‌طورکلی منتفی بوده و اقدامات تدافعی شخص موردتهاجم قرار گرفته، در صورت مجرمانه بودن، موجب مسؤولیت کیفری وی خواهد بود.

شرط ضرورت که در بند الف ماده ۱۵۶ ق.م.ا به آن اشاره شده^۱ بیان می‌کند که دفاع (وارد کردن آسیب به مهاجم) باید تنها و آخرین راه مقابله با حمله باشد. بدین توضیح که شخص مورد تهاجم قرار گرفته حتی‌الامکان از انجام عملی که جرم می‌باشد خودداری نماید و با رفتارهایی چون دعوت به آرامش مهاجم، فریاد زدن، آگاه کردن دیگران، توسل به قوای دولتی، پناه گرفتن و... تا جای ممکن از ارتکاب عمل مجرمانه خودداری نماید و چنان چه رفتارهای مذکور و امثالهم موجب رفع تجاوز و خطر نشد، می‌توان قائل بود که شرط ضرورت تحقق یافته است.^۲

فلسفه این‌که شخص مدافع در اعمال حق دفاع مشروع با تحقق شرط ضرورت جواز وارد کردن آسیب به مهاجم را پیدا می‌کند و قابل مجازات و بازخواست حتی در صورت عدم رعایت برخی شروط دفاع، نمی‌باشد؛ به مبنای دفاع مشروع بازمی‌گردد. به نظر می‌رسد که دفاع مشروع را با استفاده از ترکیب دو نظریه غریزه و فطرت انسان و نقض قرارداد اجتماعی بتوان این‌گونه موجه‌تر جلوه داد و آن را حق طبیعی دانست که اعمال آن به‌وسیله قرارداد اجتماعی به دولت

واگذار شده و هرگاه دولت نتواند این مسؤولیت را به‌درستی انجام دهد حق اعمال آن مجدداً به شخص باز می‌گردد.

شرط ضرورت ارتباط بسیار نزدیکی با شرط فعلی یا قریب‌الوقوع بودن تجاوز دارد؛ تا این اندازه که شرط ضرورت نتیجه شرط فعلی یا قریب‌الوقوع بودن تجاوز یا خطر می‌باشد. فعلی یا قریب‌الوقوع بودن تجاوز که در صدر ماده ۱۵۶ ق.م.ا به آن اشاره شده، بیان‌کننده این است که خطر یا تجاوز به مرحله واقعیت و فعلیت درآمده باشد یعنی مهاجم در شرف اجرا یا آغاز اجرای تجاوز و تعدی باشد. البته این مهم همانند مفهوم ضرورت باید برحسب اوضاع و احوال هر قضیه مشخص گردد به‌عبارتی دیگر ملاک تشخیص فعلی یا قریب‌الوقوع بودن تجاوز؛ نوعی و به مرجعیت عرف هست. در واقع این دو شرط که یکی مربوط به دفاع و دیگری مربوط به تجاوز است را می‌توان دو روی یک سکه دانست که با تحقق شرط فعلی یا قریب‌الوقوع بودن تهاجم، ضرورت دفاع نیز محقق می‌شود. (شمس ناتری و عبدالله یار، ۱۳۸۹: ۱۱۰) بنابراین صرف اینکه مهاجم به تهدید کردن بپردازد ضرورت تحقق نمی‌یابد بلکه وی باید به تحقق و عملی کردن تهدید خود نیز اقدام نماید.

ذیل مبحث شرط ضرورت لازم می‌نماید که ارتباط شرط ضرورت با قاعده فقهی «الضرورات تقدر بقدرها» در دفاع مشروع نیز بررسی شود. مفاد قاعده مذکور این است که تنها تا رفع حالت ضرورت و به‌تناسب خطر و تهدید موجود، انجام فعل اضطراری جایز است. (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۱۴۸) این قاعده در شرط ضرورت حاوی این نکته ظریف است که چنان چه مدافع از حد ضرورت فراتر رود و اقدامات دفاعی وی به نحوی جنبه انتقام‌جویانه پیدا کند؛ در مقابل مقداری که از حد ضرورت برای رفع خطر، فراتر رفته باشد، مسؤولیت کیفری پیدا می‌کند. گارو نیز با این نظر هم سو است و بیان می‌کند که: مدافع، اگر از حدود ضرورت دفاع تجاوز نماید متجاوز محسوب می‌شود. (شمس ناتری و زارع، ۱۳۹۶: ۱۳۳)

در راستای حفظ حقوق مدافع بدون سوءنیت، قانون‌گذار در تبصره ۲ ماده ۱۵۶ ق.م.ا مقرر کرده است که «هرگاه اصل دفاع محرز باشد ولی رعایت شرایط آن محرز نباشد اثبات عدم رعایت شرایط دفاع برعهده مهاجم است». این تبصره

^۱ رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد.

^۲ رأی شماره ۱۵۸۸/۱۲ مورخ ۱۳۲۸/۷/۲۵ شعبه دوم دیوان عالی کشور نیز مبین همین نظر است.

نظر مشهور بین فقها بدین مضمون هست که در صورت امکان فرار برای شخص مورد تهاجم قرار گرفته وی باید فرار کند و به مهاجم آسیبی نرساند؛ چنانچه شخص مورد تهاجم قرار گرفته اقدام به ضرب و جرح مهاجم نماید در مقابل عمل خود دارای مسؤولیت کیفری می‌باشد و ضامن خسارات وارده است.^۲

این دسته از فقها در واقع قائل به رعایت نوعی تدرج براساس قاعده فقهی «الاسهل فالاسهل» می‌باشند. قاعده مذکور که امام خمینی (ره) در وصف آن می‌فرماید: «مدافع [ابتدا کمترین و آسان‌ترین مرحله را و در صورتی که مؤثر نشد به تدریج مرحله بالاتر را اجرا کند» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۴۸۸) به دنبال ارائه این مفهوم است که باید از ساده‌ترین و کم‌خطرترین راه ممکن برای دفع تهاجم صورت گرفته استفاده کرد مثلاً در موقع دفاع از جان خود این مجوز را نداریم که در اولین اقدام دفاعی موجب قتل مهاجم شویم بلکه باید ابتدا ساده‌ترین راه ممکن را در پیش گیریم سپس به اقدام‌هایی با شدت بیشتر توسل جوییم. در راستای همین نکته شهید ثانی در کتاب شرح لمعه می‌نویسد باید در دفاع از جان، ناموس و مال به آسان‌ترین روش‌ها تکیه کرد، به تدریج روش‌های سخت‌تر را در پیش گرفت. (شهید ثانی، ۱۳۷۲: ۲۴۸) همچنین صاحب جواهر معتقد است که: «اگر متعدی تجاوزکار با فریاد زدن دفع نشود، باید با کتک او را دفع کرد، اگر آن نیز بی‌اثر بود باید چوب‌دستی را به کار گرفت، اگر این هم فایده نداشت باید به وسیله سلاح کشت تا دفع گردد.» (نجفی، ۱۳۷۲: ۶۵۱) همان‌طور که پیداست فقها در مرتبه دفاع کردن، مدافع را ملزم به استفاده از خفیف‌ترین راه ممکن می‌دانند و چنانچه مدافع در اولین دفاع خود، از حد قاعده الاسهل فالاسهل فراتر رود، در قبال آن مسؤولیت دارد.

که به عقیده برخی حقوقدانان موجد اصل جدیدی به نام اصل مشروعیت دفاع است بیان می‌کند که اگر لزوم و ضرورت دفاع با تمسک به هریک از ادله قانونی هرچند علم قاضی محرز شود، در این مرحله مدافع میرا محسوب می‌شود، مگر اینکه طرف مقابل عدم رعایت شرایط دفاع را اثبات کند که به‌گونه‌ای جابه‌جایی بار اثبات دعوی خواهد بود. (شمس ناتری و زارع، ۱۳۹۶: ۱۳۹) از سوی دیگر قانون‌گذار در تبصره ۲ ماده ۳۰۲ ق.م.ا حکم مدافعی که از حد ضرورت فراتر رود را مقرر کرده است: «در مورد بند (ت) چنانچه نفس دفاع صدق کند ولی از مراتب آن تجاوز شود قصاص منتفی است لکن، مرتکب به شرح مقرر در قانون به دیه و مجازات تعزیری محکوم می‌شود». این تبصره تکلیف دفاع مشروع ناقص را مشخص نموده است بدین صورت که اگر نفس دفاع صدق کند ولی از مراتب آن (شرایط دفاع) تجاوز شده باشد؛ مرتکب، به دیه و مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شود. جمع تبصره‌های مذکور این است که چنانچه اصل دفاع محرز باشد (شرط ضرورت دفاع احراز شود) اما مدافع از حدود آن فراتر رفته باشد و مجنی علیه (مهاجم یا قائم مقامان وی) بتواند اثبات کند که مدافع از میزان ضرورت فراتر رفته است و به شکل انتقام‌جویانه موجب جرح یا فوت مهاجم شده است؛ مدافع قصاص نمی‌شود اما مکلف به پرداخت دیه و تحمل مجازات تعزیری می‌باشد.

حال که زوایای مختلف شرط ضرورت مورد بررسی قرار گرفت؛ در بخش بعدی به امکان سنجی فرار در منابع فقهی می‌پردازیم و نظریات فقهای شیعه علی‌الخصوص نظر مشهور فقهی را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم.

۲- حق فرار در موازین فقهی

در این قسمت طی چند بند حق فرار در دفاع مشروع در متون و منابع فقهی مورد ارزیابی و مطالعه قرار می‌گیرد.

۲-۱- امکان سنجی فرار در آئینه فتاوی و روایات فقهی

^۱ - ماده ۳۰۲ ق.م.ا: در صورتی که مجنی علیه دارای یکی از حالات زیر باشد، مرتکب به قصاص و پرداخت دیه، محکوم نمی‌شود... ت-متجاوز و کسی که تجاوز او قریب‌الوقوع است و در دفاع مشروع به شرح مقرر در ماده ۱۵۶ این قانون جنایتی بر او وارد شود.

^۲ - از جمله فقهایی که در این دسته جای می‌گیرد امام خمینی (ره) است که در کتاب تحریر الوسیله می‌فرماید: اگر امکان‌هایی از درگیری به وسیله فرار و مانند آن وجود داشته باشد، به احتیاط واجب باید به آن توسل جوید (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵: ۵۵۴). همچنین علامه حلی (ره) در کتاب قواعد الاحکام نگاشته است: کسی که از نفس و مال خود دفاع می‌کند، اگر با فرار کردن امکان خلاصی از متجاوز دارد واجب است فرار کند، چراکه این کار راحت‌ترین راه دفاع کردن است (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۵۷۲).

نکته‌ای که اخیراً ذکر شد (عدم اطلاق رعایت همیشگی قاعده الاسهل فالاسهل) ارتباط بسیار نزدیکی با شرط تناسب دفاع و تهاجم و قاعده فقهی الضرورت تنقذر بقدرها دارد. در مباحث پیشین قاعده «الضرورت تنقذر بقدرها» توضیح داده شد و جمع آن با قاعده مذکور این است که مدافع از سهل‌ترین روش‌ها به سمت شدیدترین رفتارها حرکت کند تا زمانی که خطر و ضرورت دفاع مرتفع شوند. در قانون مجازات اسلامی در خصوص شرط تناسب نص صریحی وجود ندارد و همان‌طور که دکترین حقوقی بیان کرده‌اند این شرط لازمه و مکمل شرط ضرورت دفاع است یعنی دفاع نباید از حد ضرورت فراتر رود و اگر ضرورت مرتفع شد دیگر تناسب منتفی است. (الهام و برهانی، ۱۳۹۵: ۱۷۳) در حقیقت شرط تناسب بیان‌کننده این است که می‌باید بین ارزشی که مورد تعرض قرار گرفته و دفاعی که در مقابل آن صورت می‌پذیرد، تناسبی منطقی وجود داشته باشد اگرچه برخی قائل به این هستند که شرط تناسب در قانون مجازات اسلامی به موجب قانون مصوب ۱۳۹۲ نسخ شده است و شخص الزامی به رعایت این شرط ندارد. (الهام و برهانی، ۱۳۹۵: ۱۷۴) اما با توجه به قاعده الاسهل فالاسهل و قاعده الضرورت تنقذر بقدرها می‌توان گفت که این شرط هم چنان وجود دارد و مدافع مکلف به رعایت آن است چراکه زمانی می‌توان حد یقینی برای قواعد مذکور قائل بود که تناسب بین حمله و دفاع را رعایت کرده باشیم. در تقویت این نظر می‌توان گفت که نهاد دفاع مشروع یک نهاد استثنائی است پس تا سرحد ممکن بایستی بین ارزش حمایت‌شده و دفاع صورت گرفته تناسب وجود داشته باشد تا که آسیبی بیش از اندازه مورد نیاز به مهاجم وارد نشود. شرط تناسب از شروطی است که مشمول تبصره ۲ ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی می‌باشد.^۱ وجه شباهتی که بین شرط تناسب و شرط ضرورت وجود دارد این است که شرط تناسب نیز باید با اوضاع و احوال مختلف هر تهاجم و دفاع سنجیده و میزان متناسب بودن آن مورد به مورد بررسی و احراز شود.

در توضیح این که فقها فرار کردن را سهل‌ترین راه ممکن می‌دانند می‌توان گفت مقتضای جمع بین ادله حرمت قتل، جرح، تصرف در احوال و نفوس از یک طرف و ادله عدم جواز تحمل ظلم و ضرر و وجوب دفاع از طرف دیگر، این است که گفته شود دفاع منجر به قتل و جرح، وقتی واجب است که راه گریزی برای مدافع جز دفاع کردن وجود نداشته باشد، اما اگر بتواند فرار کند واجب است فرار نماید و مرتکب قتل و جرح مهاجم نشود. (شوشتری، ۱۴۲۷: ۶۴)

سؤالی که در اینجا به ذهن متبادر می‌شود این است که در صورت تحقق تهاجم، شخص مدافع همواره ملزم به رعایت قاعده الاسهل فالاسهل می‌باشد یا خیر؟ به عبارتی دیگر قاعده مذکور مطلق است و در تمامی فروض باید به صورت مرحله به مرحله از سهل‌ترین به سمت سخت‌ترین رفتارها حرکت کرد یا که باید قائل به تفکیک بود؟ با توجه به این که امام خمینی (ره) نظر خویش در مورد فرار را در قالب حکمی احتیاطی بیان کرده است. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۵۵۴) نه در قالب یک حکم وجوبی به نظر می‌رسد که فرار را به عنوان سهل‌ترین و محتاطانه‌ترین راه ممکن می‌دانند و مراد و منظور ایشان این است که مدافع تا حد امکان از انجام رفتارهای خشن و نامتناسب بپرهیزد؛ با این اوصاف نمی‌توان قائل به اطلاق قاعده الاسهل فالاسهل شد چراکه ممکن است با توجه به شرایط و موقعیت خاص هر تهاجم، امکان رعایت این قاعده وجود نداشته باشد و مدافع از راه‌ها و روش‌های شدیدتر برای دفاع استفاده نماید. به همین سبب است که امام خمینی (ره) فرار را به صورت احتیاطی بیان می‌کنند و اگر شرایط به نحوی باشد که فرار ممکن نباشد به طور حتم راه سهل‌تر، رفتار کم‌خطر دیگری است. همان‌طور که بدیهی می‌نماید؛ این عبارات بدین معنی نیست که مدافع جواز این را پیدا کرده است که در اولین اقدام دفاعی خود به قتل مهاجم بپردازد بلکه همواره در هر موقعیتی هم چنان باید به صورت الاسهل فالاسهل عمل کند. در حقیقت تکلیف مدافع به استفاده از ساده‌ترین روش در هر موقعیتی متفاوت است به طور مثال ممکن است در یک موقعیتی ایراد ضرب و جرح سهل‌ترین راه دفاع کردن باشد و همین ضرب و جرح در مورد دیگری خشن‌ترین راه تلقی شود.

^۱ - تبصره ۲ ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه اصل دفاع محرز باشد ولی رعایت شرایط آن محرز نباشد اثبات عدم رعایت شرایط دفاع بر عهده مهاجم است.»

۲-۲- نقد و بررسی نظر مشهور فقهی

با توجه به توضیح نظر مشهور فقهی باید دید که مکلف دانستن شخص مورد تهاجم قرار گرفته مطلق است و در تمامی فروض باید وی را مکلف به فرار دانست یا که در برخی موارد باید قائل به تفکیک شد.

نخست؛ چنان چه شخصی در خانه و کاشانه خود قرار داشت و مهاجمی به وی حمله کرد، آیا باز هم می‌توان قائل به گفته مشهور فقها بود و او را مکلف به فرار دانست؟ (این موضوع با بحثی که فقها ذیل مبحث لص بیان کرده‌اند و همچنین دکترین قلعه^۱ در نظام حقوقی آمریکا متفاوت است) به‌طور مثال زوج جوانی در مورد موضوعی با یکدیگر اختلاف نظر دارند سپس بحث بین آن‌ها بالا گرفته و مرد که به‌طور کامل خشمگین شده است به سمت زن هجوم می‌آورد. از نظر فقها در این حالت اگر زن امکان فرار داشته باشد مکلف به فرار است اما این منطقی به نظر نمی‌رسد چراکه ابتدا باید به این پرسش پاسخ داد که وی دقیقاً باید به کجا فرار کند که در آن امنیت کامل داشته باشد؟ آن‌چنان‌که از عقل و منطق استنباط می‌شود در مثال مذکور زن می‌تواند اقدام به دفاع از خود کند و نمی‌توان او را مکلف به فرار دانست چراکه منزل و محل سکونت هر شخصی مکان امن، استراحتگاه و مأمن آرامش وی می‌باشد. این احساس که خانه و کاشانه هرکسی آخرین پناهگاه وی می‌باشد از طبیعت انسان نشأت می‌گیرد و اصولاً هرگاه انسان در تنگنای جسمی و روحی قرار بگیرد وقتی به منزل خود می‌رسد احساس امنیت و آرامش خیال بیشتری می‌کند یا اگر احساس خطر کند به محلی امن پناه می‌برد و چه پناهگاهی امن‌تر از محل زندگی و سکونتش؛ حال اگر همین مکان، امن نباشد وی ناگزیر به دفاع خواهد بود. به عبارتی دیگر در فرض مذکور، زن مکلف به دفاع یا فرار نیست؛ بلکه اگر به دفاع پرداخت و به مرد آسیبی وارد شد؛ زن مسؤولیت کیفری نخواهد داشت.

دوم؛ مورد دیگری که قابل تأمل می‌باشد موضوعی است که می‌توان از آن به فرار ایمن یاد کرد. فرار ایمن بیان می‌کند که حتی اگر شخص مورد تهاجم قرار گرفته فرار کرد و از مهلکه گریخت اما هم چنان در اثر افعال مهاجم خطری وی را تهدید می‌کرد یا به عبارتی بهتر هم چنان ضرورت دفاع برطرف نشده بود؛ آیا او هم چنان مکلف به فرار کردن است؟ حالتی را تصور کنید که بعد از آغاز تهاجم، شخص مورد حمله قرار گرفته اقدام به فرار از مهلکه می‌کند اما مهاجم با پاره‌سنگ‌هایی در دست به دنبال وی می‌افتد و هر لحظه ممکن است موجب آسیب به او شود. در این حالت حتی با پذیرش نظر فقها که الاسهل فالاسهل را ملاک دفاع قرار داده‌اند و اولین راه دفاع برای شخص مورد تهاجم قرار گرفته را فرار می‌دانند به دلیل این‌که خطر از شخص فراری حتی با فرار دفع نشده است، باید گفت که وی دیگر تکلیفی به فرار ندارد و می‌تواند به دفاع بپردازد.

به نظر می‌رسد تنها حالتی که می‌توان شخص مورد تهاجم قرار گرفته را مکلف به فرار دانست زمانی است که وی در حال انجام فعالیتی غیرقانونی باشد. شخصی که در حال انجام فعالیتی غیرقانونی است نمی‌تواند در قبال هجوم صورت گرفته اقدام به دفاع نماید چراکه وی در حال انجام عملی است که موجب آسیب و تجاوز به جامعه و تک‌تک اعضای آن و نقض قرارداد اجتماعی می‌شود. در این حالت بهترین روش فرار کردن یا ترک انجام فعل غیرقانونی است. در هر حال شخص مورد حمله قرار گرفته حق دفاع ندارد مگر این‌که مهاجم از حد ضرورت برای جلوگیری از ادامه ارتکاب عمل غیرقانونی خارج شود.

سوم؛ موضوع دیگری که لازم می‌نمود فقها در ذیل نظرات خود به اثبات آن می‌پرداختند این است که آیا واقعا فرار کردن از مصادیق دفاع مشروع و قاعده الاسهل فالاسهل می‌باشد؟ یا خیر. به نظر می‌رسد منظور از لفظ دفاع در دفاع مشروع صرف انجام اعمال مباح نیست بلکه به معنای انجام عملی می‌باشد که موجب آسیب رسیدن به مهاجم است و در حالت

^۱ - در دکترین قلعه اصولاً حمله از خارج از سکونتگاه فرد توسط شخص ثالثی صورت می‌پذیرد اما در مثال مذکور حمله از درون سکونتگاه و توسط همسر شخص صورت گرفته است.

ظاهراً نکته‌ای را بیان نکرده‌اند. حالتی را فرض کنید که در مجلسی شخص نوجوانی شروع به تهمت و افترا زدن به یکی از حضار سالخورده حاضر در جمع می‌کند که تعرض به یکی از موضوعات مهم دفاع مشروع یعنی عرض می‌باشد. آیا در اینجا شخص سالخورده در وهله اول مکلف به فرار کردن و ترک مجلس یا دست‌کم سکوت کردن است یا که می‌تواند به دفاع از خود بپردازد؟ به نظر می‌رسد در این مورد شخص سالخورده می‌تواند متناسب با نوع تهاجمی که علیه وی صورت پذیرفته به دفاع از خویش بپردازد و البته این نکته که وی به مهاجم آسیب فیزیکی شدید وارد کند قابل‌پذیرش نیست. اگر راه مبالغه را نپیماییم می‌توان گفت که فرار کردن در فرض فوق با رسالت وجودی نهاد دفاع مشروع در تضاد است.

در میان فقها دو دسته نظر دیگر در خصوص مسأله فرار موجود است:

نخست، عده‌ای از فقها ضمن مخالفت با نظر مشهور فقهی حتی باوجود امکان فرار، دفاع را جایز می‌دانند چراکه ایشان فرار را از مقوله دفاع نمی‌دانند تا در این خصوص مدافع را ملزم به رعایت قاعده الاسهل فالاسهل بدانند. دوم، برخی دیگر از فقها نیز در خصوص امکان‌سنجی فرار مورد به مورد قائل به تفاوت شده‌اند یعنی در صورتی که مدافع قادر به دفع مهاجم باشد حتی با امکان فرار، وی را مجاز به دفاع می‌دانند ولی در صورتی که قادر به دفع تهاجم نباشد، فرار واجب است. (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۷۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۵۰)

۲-۳- موضع فقه در صورت عدم امکان فرار

بدیهی است که با منتفی شدن امکان فرار شخص مورد تهاجم قرار گرفته می‌تواند به دفاع بپردازد. احادیث مختلفی به ما رسیده که به دفاع در مقابل تهاجم نامشروع اشاره کرده است از جمله محمد بن زیاد جبلی از ابی عبدالله (ع) نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند: رسول خدا (ص) فرموده است: «من قتل دون ماله فهو شهید» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۲۰) یعنی هرکس برای دفاع از مال خود کشته شود شهید محسوب می‌شود. همچنین عبدالله بن سنان نیز از ابی عبدالله (ع) نقل می‌کند که فرمودند رسول خدا فرموده است: «من

عادی جرم تلقی می‌گردد. با توجه به این مفهوم از دفاع، فرار از مصادیق دفاع مشروع محسوب نمی‌شود زیرا همان‌طور که بیان شد دفاع در عبارت دفاع مشروع یعنی عملی که موجب آسیب به مهاجم می‌شود و این خصیصه در فرار کردن قابل‌تصور نیست. از سویی دیگر با پذیرفتن این که فرار از مصادیق دفاع کردن است نتایجی به مراتب بدتر تحقق می‌یابد چراکه ممکن است موجب جری‌تر شدن مهاجم شود و وی این پندار را پیدا کند که هرگاه برای مدافع خطری را ایجاد کرد او فرار می‌کند و جواب درخوری به این نقض حق و قانون‌شکنی نمی‌دهد و این امر بی‌چون‌وچرا سبب گسترش خشونت در جامعه و قدرت‌نمایی قانون‌شکنان می‌شود.

این نکته که فرار ممکن است موجب رفع خطر (دست‌کم به‌طور موقت) شود قابل‌انکار نیست، لکن بحث بر سر این است که آیا فرار از مصادیق دفاع کردن است یا خیر که بتوان به‌وسیله آن شخص مورد تهاجم قرار گرفته را در قالب یک عمل تدافعی مکلف به انجام آن بدانیم. با توجه به توضیحات فوق چنین می‌نماید که نمی‌توان فرار را یکی از مصادیق دفاع دانست و اگر این گزاره را موافقین فرار در دفاع مشروع می‌پذیرفتند هیچ‌گاه دیگر نوبت به امکان‌سنجی فرار نمی‌رسید. البته این گفته بدین معنی نیست که فرار از مصادیق الاسهل فالاسهل نمی‌باشد بلکه فرار کردن یکی از مصادیق این قاعده فقهی است و به‌طور حتم از روش‌های خشونت‌آمیز سهل‌تر است اما لزوماً به معنای مطلق دفاع کردن و یکی از مصادیق آن نمی‌باشد. مخلص کلام این است که اگرچه فرار از مصادیق الاسهل فالاسهل می‌باشد اما شخص در مقام دفاع الزامی به فرار ندارد بلکه فرار کردن عمل مباحی است همانند فریاد زدن که شخص می‌تواند آن را انجام دهد یا ندهد و در صورت عدم انجام آن و ایراد ضرب‌وجرح در حد تناسب با حمله و رفع ضرورت دفاع قابل‌بازخواست نمی‌باشد.

چهارم؛ نکته دیگری که لازم می‌نماید بررسی شود این است که به نظر می‌رسد فقها فرار را تنها در موردی به‌کاربرده‌اند که مدافع مورد تهاجم فیزیکی قرار گرفته است و در فرضی که تنها بیان کردن کلمات موجب آسیب و ضرر به مدافع شود

کلمات فقها مورداشاره قرار نگرفته و به این موضوعات پرداخته نشده است، بعید نیست که بتوان موضوع دفاع از آن‌ها را به حکم دفاع از مال ملحق نمود. (الهام و برهانی، ۱۳۹۵: ۱۷۸) بدیهی است که احکام موضوعات فوق در صورتی است که امکان فرار وجود نداشته باشد والا طبق نظر مشهور فقها باید شخص موردحمله قرار گرفته را مکلف به فرار دانست.

همان‌طور که ذکر شد فقها قائل به وجوب و جواز در دفاع می‌باشند اما حقوقدانان دفاع را حقی می‌دانند که مدافع در اعمال آن دارای اختیار است. چنین می‌نماید که برداشت دکتربین حقوقی و فقها از حق (دست‌کم در زمینه دفاع مشروع) متفاوت باشد؛ چراکه با توجه به معنای حق که برای تنظیم روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع، برای هر کس امتیازهایی در برابر دیگران می‌شناسد و توان خاصی به او [ذی حق] می‌بخشد (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۱۳) وضعیتی است که شخص برخوردار از حق می‌تواند آن را به کار ببرد یا اعراض کند. این مفهوم با تصویری که فقها از حق در دفاع مشروع ارائه می‌دهند متفاوت است؛ زیرا فقها بالاینکه دفاع را حق تلقی می‌کنند اما در مواقعی شخص را ملزم به انجام آن می‌دانند. به عبارتی دیگر اعمال حق دفاع مشروع را گاهی اوقات (مثلاً در دفاع از نفس) تکلیفی بر گردن مدافع می‌دانند.

تفاوت دیگر بین رویکرد فقهی و حقوقی این است که فقها از حیث مبنا قائل به این هستند که دفاع مشروع موضوعی عقلانی است و شخص در شرایط اضطراری به دفاع می‌پردازد که شارع نیز آن را امضا کرده است. درحالی‌که نظریات دکتربین حقوقی عموماً بر این پایه استوار است که دفاع مشروع حقی طبیعی است که در صورت عدم حضور (یا حضور غیرموثر) مأمورین دولتی و انتظامی و نقض قرارداد اجتماعی، شخص آن را به دست می‌آورد. این مطلب بدین معنا نیست که مدافع وظایف مأموران دولتی و انتظامی را انجام می‌دهد بلکه مدافع برای حفظ ارزش‌های برتر اقدام به

قتل دون مظلّمه فهو شهید» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۲) یعنی کسی که برای دفع ظلم ظالمی کشته شود شهید است.

از احادیث فوق چنین استنباط می‌شود که دفاع مشروع علاوه بر این که یک حق است، شخصی که به دفاع از جان و مال و ناموس خود بپردازد نه تنها به عمل مشروعی مبادرت کرده بلکه در صورت آسیب دیدن در این راه دارای اجر و پاداش اخروی نیز می‌باشد.

۴-۲- تفاوت‌های بین رویکرد فقهی و رویکرد حقوقی در مورد دفاع مشروع

همان‌طور که برخی دکتربین حقوقی به درستی اشاره کرده‌اند یکی از تفاوت‌های عمده‌ای که در موضوع دفاع مشروع میان رویکرد فقهی و حقوقی وجود دارد این است که حقوقدانان دفاع مشروع را در قالب حق و اختیار مطرح کرده‌اند یعنی دفاع مشروع حقی است که مدافع در استفاده از آن دارای اختیار می‌باشد. اما فقها قالب تکلیف و الزام را برای برخی موضوعات دفاع مشروع برگزیده‌اند و حکم اولیه آن را بسته به متعلق دفاع؛ وجوب یا جواز دانسته‌اند یعنی مدافع شرعاً مکلف به دفاع از برخی امور است و در دفاع از برخی موضوعات اختیار دارد و دارای تکلیف الزام‌آور نیست. (الهام و برهانی، ۱۳۹۵: ۱۷۶) به عبارتی دیگر مدافع از منظر دکتربین حقوقی اختیار دارد که به دفاع بپردازد یا که نپردازد اما فقها در برخی موضوعات، مدافع را ملزم و مکلف به دفاع می‌دانند و به تبع موضوعات دفاع، احکام آن‌ها با یکدیگر تفاوت دارند به‌طور مختصر می‌توان چنین گفت که: فقها قائل‌اند اگر موضوع دفاع مشروع نفس و جان مدافع باشد، دفاع کردن واجب است (الهام و برهانی، ۱۳۹۵: ۱۷۷)؛ اگر موضوع دفاع مشروع عرض و ناموس باشد نظر مشهور فقها بر این است که مدافع بایستی به دفاع بپردازد هرچند که موجب مرگ او شود (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۵۵۴) و اگر موضوع دفاع مشروع مال باشد نظر مشهور بر این است که دفاع از مال جایز است. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۳۹۰) در واقع هنگامی که ارزش موردحمایت مال باشد اعم از منقول و غیرمنقول چنین می‌نماید که مدافع بین دفاع کردن و دفاع نکردن مخیر است. به نظر می‌رسد که بحث دفاع در مقابل ضرب و حرج و دفاع از آزادی تن در

قتل وی را داشته باشد تکلیف به فرار داشته و حق ندارد به خشونت متوسل گردد.^۵ البته در تمام مواردی که شخص تکلیف به فرار دارد این تکلیف در صورتی است که اقتضایات یک فرار ایمن برای وی در آن لحظه وجود داشته باشد، لذا اگر در حین فرار خطری وی را تهدید نماید شخص می‌تواند مقاومت کرده و مبادرت به دفع خطر کند.

در حقوق کانادا مقررات دفاع مشروع در بخش ۳۴(۱) و ۳۵ از قانون جزای این کشور (اصلاحی سال ۲۰۱۲) بیان شده اگرچه ذکر از موضوع فرار در دفاع مشروع به میان نیامده است اما مطابق مقررات کیفری و رویه قضایی این کشور شخص زمانی می‌تواند به دفاع متوسل شود که اصل ضرورت اقتضا داشته و هیچ راه دیگری برای خلاصی از تهاجم صورت گرفته جز دفاع برای وی وجود نداشته باشد اما وی وظیفه‌ای برای فرار از دست مهاجم ندارد. (Frier, 2014: 659) لذا به‌طور کلی رویکرد حقوق کیفری این کشور این است که در عموم موارد به‌ویژه در مواردی مانند زمانی که مدافع در منزل یا زمین تحت مالکیتش مورد تهاجم واقع شده^۶ وی می‌تواند علی‌رغم داشتن موقعیت فرار، اقدام به دفاع مشروع نماید.

در حقوق کیفری انگلستان اگرچه تا چند دهه گذشته و مطابق کامن لو شخص در موارد متعدد، زمانی که موقعیت و شرایط فرار داشت بایستی فرار می‌کرده و حق توسل به خشونت در برابر مهاجم را نداشت اما براساس قانون کیفری مصوب ۱۹۶۷ انگلستان (بخش سوم) که مقررات کامن لو در این موضوع را نسخ کرده است مدافع دیگر در هیچ فرض و حالتی تکلیف به فرار نداشته و در تمامی حالات اگر مورد تهاجم واقع شود می‌تواند از خود یا دیگری دفاع کرده و (با رعایت شرایط قانونی از جمله شرط تناسب) اقدام به

انجام اعمالی می‌نماید که در حالت عادی طبق قرارداد اجتماعی بر عهده قوای دولتی است.^۱

۳- موضع حقوق عرفی در باب امکان‌سنجی فرار در دفاع مشروع

در این قسمت با توجه به اهمیت بررسی تطبیقی موضوع فرار در دفاع مشروع در دیگر کشورها به مطالعه رویکرد برخی کشورها در این خصوص پرداخته و در ادامه موضع حقوق کیفری ایران در این رابطه را مورد کنکاش قرار می‌دهیم.

۳-۱- مطالعه تطبیقی

از نقطه نظر تطبیقی و با تأملی بر وضعیت سایر کشورها می‌توان گفت که در نظام کیفری ایالات متحده ضمن تشریح فروض مختلف تلاش داشته‌اند پاسخ‌های متفاوتی به مسئله امکان‌سنجی فرار در دفاع مشروع بدهند. به‌طور کلی دو رویکرد متضاد در خصوص مسئله فرار در دفاع مشروع قابل مشاهده است؛ رویکرد «تکلیف به فرار»^۲ و قاعده «از محل استقرار دفاع کن»^۳ به عبارت بهتر در نظام حقوقی این کشور بسته به اینکه وضعیت مکانی و زمانی مدافع چگونه می‌باشد به وی امکان دفاع حتی در صورت داشتن موقعیت فرار می‌دهد و یا بالعکس شخص را مکلف به فرار دانسته و حق دفاع را برای وی به رسمیت نمی‌شناسد. به‌عنوان مثال زمانی که فرد در خانه، مزرعه، ماشین یا درشکه (Ferzan, 2005: 56) خود قرار داشته و مورد تهاجم واقع می‌شود براساس قاعده «از محل استقرار دفاع کن» و همچنین دکترین قلعه^۴ حتی در صورتی که شرایط و امکان فرار نیز داشته باشد می‌تواند ایستادگی کرده و متوسل به خشونت نیز گردد (Carpenter, 2015: 695)، اما در برخی موقعیت‌های دیگر در صورتی که مهاجم قصد آزار رساندن یا

^۱ - بند پ ماده ۱۵۶ ق.م.ا: توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود

^۲ - Duty to retreat

^۳ - Stand your ground

^۴ - Castle doctrine. این دکترین به شخص اجازه می‌دهد در محل سکون خود در برابر مهاجم که قصد جنایت یا ایراد ضرب و جرح شدید او را دارد با اقدامی کشنده از خود دفاع نماید (Garner, 2004, 231)

^۵ - لازم به ذکر است دکترین قلعه اگرچه در ابتدا یک قانون یا مصوبه مجلس نبوده بلکه مجموعه‌ای از اصول بود که در غالب ایالت‌های مختلف آمریکا تقریباً به نحو مشابه مورد اعمال واقع می‌شدند اما امروزه ابتدائاً ایالت فلوریدا و در ادامه تعداد زیادی از ایالات آن را به‌عنوان یک قانون داخلی مورد تصویب قرار داده‌اند (حسینی و رحیمی پور، ۱۳۹۱، ۱۲۷).

^۶ - See: case R. v. Gunning, 2005 SCC 27 at para 25.

دلایلی را اقامه کرده‌اند از جمله اینکه یک ممنوعیت کلی از طرف قانون‌گذار مبنی بر حرمت ضرب و جرح و قتل وجود دارد و نباید در هر موردی این ممنوعیت را تکرار نماید (الهام و برهانی، ۱۳۹۵: ۱۷۲) بدین مفهوم که قانون‌گذار در مجموعه قوانین و مقررات همواره با قرار دادن مجازات‌های مختلف علیه ضرب و جرح و قتل انسان سعی داشته این پیام را منتقل کند که اصل و قاعده بر ممنوعیت آسیب وارد کردن به دیگران است مگر به حکم قانون. موافقین فرار این استدلال را در پاسخ به این استدلال مخالفین فرار بیان می‌کنند که قانون‌گذار هیچ‌گاه تکلیف به فرار نکرده تا رفتار مدافع به دلیل ترک تکلیف فاقد وصف مشروعیت گردد (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۳۹۶؛ نوربها، ۱۳۸۳: ۲۹۷) علاوه بر بررسی‌هایی که در نقد نظر فقها شد حتی با پذیرش نظریات موافقین فرار آیا در برخی مصادیق هم چنان می‌توان برای دفاع مشروع خاصیتی قائل شد؟ همان‌طور که توضیح داده شد وقتی هدف از دفاع مشروع رعایت حقوق طبیعی انسان‌ها در شرایطی است که مأمورین دولتی حضور ندارند پس پاسخ آن تهاجم و تهاجم صورت پذیرفته که در نقض قرارداد اجتماعی صورت گرفته چه خواهد شد؟ به نظر می‌رسد عدم پاسخی درخور به حملات انجام‌شده سبب افزایش جرم و جنایت در جامعه و احساس قدرت برای اشخاصی است که حالت خطرناک بودن خود را بروز داده‌اند می‌شود. عبارتی شایسته نقل است بدین مفهوم: ترس و رعبی که دفاع مشروع برای اشرار ایجاد می‌کند بسیار بیش‌تر و شدیدتر از ترسی است که احتمال مجازات و زندان برای آن‌ها ایجاد می‌کند. در تائید این نظر که با امکان فرار می‌توان اقدام به دفاع کرد به حکم شماره ۲۶۵۱ مورخ ۱۳۱۹/۸/۲۷ نظر داریم که بیان می‌کند «از ماده ۱۸۴ قانون کیفر عمومی و مواد مربوط دیگر راجع به موجبات معافیت از کیفر استفاده نمی‌شود که امکان فرار برای کسی که مورد تهاجم به نفس واقع شده موجب باشد که نتواند به اقدام عملی با شرایط مذکور در آن ماده از خود دفاع نماید» بنابراین کسی که مورد تهاجم واقع می‌شود، با امکان فرار، مجبور به فرار نیست بلکه با شرایط مندرج در مواد مربوطه می‌تواند از خود دفاع نماید.

دستگیری، ضرب و جرح یا حتی قتل مهاجم نماید (Ashworth, 2009: 52). این موضوع در پرونده‌های آر علیه برد^۱ (۱۹۸۵)، آر علیه جونز^۲ (سال ۲۰۰۵) و همچنین پرونده آر علیه میلنگ^۳ (۲۰۰۶) مورد تأکید رویه قضایی نیز قرار گرفته است (Ross, 2007: 282).

در حقوق جزای آلمان نیز مشابه آنچه درباره انگلستان بیان شد شخص این حق را دارد که در برابر هرگونه تهاجم غیرقانونی از خود یا دیگری دفاع کرده و وظیفه‌ای مبنی بر فرار ندارد (Heinrich, 2014: 110). رویه مشابهی در کشورهایی مانند ایرلند^۴ و جمهوری چک^۵ نیز اعمال می‌گردد. می‌گردد.

۳-۲- حقوق کیفری ایران و حق فرار در دفاع مشروع

یکی از عواملی که در موضوع دفاع مشروع موجب اختلاف بین محاکم و تشدد آرای قضایی شده رویه‌ای است که قانون‌گذار در خصوص فرار در دفاع مشروع در پیش گرفته و مقرره خاصی را بیان نکرده است. بهتر بود قانون‌گذار در این مورد مقررهای را تصویب کرده و به اختلافات موجود در این زمینه پایان می‌داد. اما در شرایط فعلی و با توجه به فقدان حکم خاصی در مجموعه قوانین کیفری، در زمینه فرار ابهامات و اختلاف نظرهای زیادی در نظام کیفری کشور ما مشاهده می‌شود که به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

۳-۳- بررسی نظرات موافقان و مخالفان فرار در نظام کیفری ایران

در نظام کیفری ایران، دکترین حقوقی در زمینه امکان‌سنجی فرار متفق‌القول نیستند، برخی از ایشان همان راه فقها را در پیش گرفته‌اند و قائل به این هستند که در صورت امکان فرار برای مدافع، وی را مکلف به فرار می‌دانند و در تائید نظر خود

¹ - R v Bird

² - R v Jones (Margaret)

³ - R v Milling

⁴ - See; Jonsson, Patrik. "Racial bias and 'stand your ground' laws: what the data show". Christian Science Monitor. Retrieved May 3, 2014.

⁵ - See; Supreme Court of the Czech Republic (October 24, 2001), Decision No. 5 Tz 189/2001 (in Czech), Brno

ملزم به دفاع کردن می‌دانند حتی اگر موجب این شود که وی در این راه کشته شود.

در بین دکترین حقوقی نظریه دیگری نیز مطرح است که راه‌حل میانه را پذیرفته‌اند یعنی علی‌رغم عدم تحمیل وظیفه قطعی فرار به مدافع امکان داشتن فرار را قرینه‌ای بر عدم ضرورت در نظر گرفته‌اند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۶: ۳۵۷) به عبارتی دیگر هرچند انسان همواره موظف به فرار نیست، لکن مدافع باید نشان دهد که مایل به نزاع نبوده است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۰: ۱۴۲) یعنی اگر شخص مورد تهاجم قرار گرفته امکان فرار داشت و ایستادگی کند و موجب آسیب به مهاجم گردد دارای مسئولیت کیفری می‌باشد. همان‌طور که از کلام این دسته از دکترین حقوقی برمی‌آید اگرچه مدافع را مکلف به فرار نمی‌دانند اما تلویحاً پذیرفته‌اند که با وجود امکان فرار عملاً شرط ضرورت منتفی است. آراء متعددی در دیوان عالی کشور نیز مبین همین نظر بوده‌اند که با وجود امکان فرار شرط ضرورت را منتفی دانسته‌اند (رأی شماره ۴۴۸ مورخ ۱۳۷۵/۱/۲۵ و رأی شماره ۹۸۰ مورخ ۱۳۷۱/۹/۱۴) که پیرو نظر مشهور فقها با مبنای حرمت ضرب و جرح و قتل هستند. نکته مهمی که در این خصوص مورد چشم‌پوشی قرار گرفته این است که فقها و دسته مذکور از دکترین حقوقی حرمت ضرب و جرح و قتل را مدنظر داشته‌اند اما حرمت آبرو و شخصیت معنوی شخص مورد تهاجم قرار گرفته را در معادلات خود به حساب نیاورده‌اند. آسیب و لطمه خوردن به شخصیت معنوی فرد گاهی اوقات نشانه‌ها و آثار جبران‌ناپذیرتری نسبت به ضرب و جرح دارد. این مهم هنگامی که شخص با امکان دفاع کردن اقدام به فرار می‌کند و علی‌الخصوص زمانی که این اتفاق در حضور جمعیتی صورت پذیرد، قابل تحقق است. در واقع با توجه به این نظریه که انسان دارای کرامت است نمی‌توان وی را ملزم به این دانست عملی را انجام دهد که موجب آسیب به شأن و منزلت وی شود. از طرفی دیگر این دسته از دکترین حقوقی در ملزم نکردن شخص مورد تهاجم قرار گرفته به فرار استدلال کرده‌اند حق خودمختاری (یعنی حق انتخاب مکانی که شخص مورد تهاجم قرار گرفته می‌خواهد در آنجا باشد) شخص مورد تهاجم قرار گرفته باید محترم شمرده شود

مخالفین فرار بیان می‌دارند دفاع حق است بنابراین، اگر مدافع به جای فرار ایستادگی کرد و صدمه‌ای به متجاوز وارد آورد رفتار او موجه است (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۲۹۶) به نظر می‌رسد دکترین اردبیلی سعی دارد بیان کند که هرگاه دولت نتواند وظیفه دفاع و تأمین امنیت افراد جامعه را که طی قرارداد اجتماعی به وی محول شده را به‌طور صحیح انجام دهد این وظیفه در قالب همان حق اولیه و طبیعی دفاع برای فرد مورد تهاجم قرار گرفته محقق می‌شود. در مقابل موافقین فرار چنین بیان داشته‌اند که این استدلال مصادره به مطلوب است (الهام و برهانی، ۱۳۹۵: ۱۷۲) یعنی که اگر دفاع را حق بدانیم دچار تکرار بدیهیات شده‌ایم و سعی در سنگین کردن ترازو به نفع خود داریم. اما به نظر می‌رسد چون ما در حیطة حقوق و قرارداد اجتماعی صحبت می‌کنیم پس با موضوع حق و تکلیف روبه‌رو هستیم و عموم مباحث در توجیه همین حقوق و تکالیف است پس این یک پیش‌فرض بدیهی که لازم نیست در خصوص آن استدلال کنیم و حق دفاع مشروع به موجب قوانین جزایی ایران مشروع تلقی شده است. در راستای پذیرش نظریه قرارداد اجتماعی ما با مسئله حق روبه‌رو هستیم و هنگامی می‌توان این نتیجه که فرار حق است را مصادره به مطلوب شماریم که مبنای دیگر را در خصوص دفاع مشروع مورد پذیرش قرار داده باشیم.

مورد دیگری که ما را رهنمون می‌کند به اینکه قانون‌گذار تلویحاً قائل به دفاع با امکان فرار می‌باشد این است که قانون‌گذار دفاع جان و مال دیگری را تحت شرایطی جایز دانسته است و در دفاع از دیگری اصولاً امکان فرار برای مدافع، مفهوم خود را از دست خواهد داد (اخوت، ۱۳۸۵: ۳۱۸) به نظر می‌رسد قانون‌گذار با پذیرش حق دفاع از دیگری که مورد تهاجم قرار گرفته است سعی بر اعلام وفاداری به واکنش مناسب در خصوص تجاوز است که در غیاب مأمورین قضایی و برای حفظ کرامت شخص مورد تهاجم قرار گرفته دارد و همان‌طور که بدیهی است اصولاً در دفاع از دیگری فرار مصداق پیدا نمی‌کند. از طرفی دیگر همان‌طور که ذیل مبحث امکان‌سنجی فرار در موازین فقهی شیعه بررسی کردیم فقها در مواردی از جمله دفاع از جان و ناموس، نه تنها دفاع را جایز دانسته‌اند بلکه شخص مورد تهاجم قرار گرفته را

می‌تواند با فرار مال خود را از خطر رهایی دهد. در واقع زمانی که مال فردی در معرض خطر ربوده شدن، تخریب یا تحریق باشد اگر مدافع بتواند با فرار خود مال را این‌گونه تهدیدات برهاند وی مکلف به فرار خواهد بود اما در صورتی که فرار مدافع خطر را از مال دور نکند وی تکلیفی برای فرار نداشته و حق دفاع از مال خود را خواهد داشت. در صورتی که مهاجم قصد تصرف عدوانی مال غیرمنقول شخص را داشته باشد چطور؟ آیا وی می‌تواند فرار نکرده و از مال خود حفاظت نماید. به نظر می‌رسد پاسخ مثبت باشد زیرا اگرچه ممکن است بتوان گفت که با تصرف عدوانی مال غیرمنقول مالک می‌تواند بعداً از طریق دستگاه عدالت کیفری مهاجم را از زمین یا خانه بیرون کرده و مجدداً تصرف مالکانه خود را از سر گیرد اما نمی‌توان این نظر را پذیرفت زیرا یکی از موضوعات دفاع مشروع مقرر در ماده ۱۵۶ ق.م.ا مال بوده و مال اعم از منقول و غیرمنقول می‌باشد. همچنین حتی در سرقت اموال منقول نیز مالک می‌تواند بعداً با شکایت و پیگیری قضایی مهاجم را شناسایی و به مال خود دسترسی یابد لذا این نظر نمی‌تواند قانع‌کننده و قابل‌پذیرش باشد. اشخاص این حق را دارند زمانی که مال ایشان اعم از منقول یا غیرمنقول در معرض خطر عملیات مجرمانه دیگری واقع شد با تمام توان و با رعایت شرایط قانونی از مال خود دفاع نموده و حتی در این راه اقدام به قتل یا ضرب و جرح مهاجم نیز نمایند.

سوم، در فرضی که مهاجم قصد تعرض به عرض یا ناموس فرد را داشته باشد بایستی قائل به تفکیک شد. زمانی که مهاجم قصد تعرض جنسی به خود شخص را داشته باشد و وی بتواند با فرار کردن خود را از این خطر برهاند مسلماً وی تکلیف به فرار داشته و نمی‌تواند متوسل به خشونت گردد اما زمانی که نزدیکان او در معرض خطر تعرض باشند اگر شخص بتواند آن‌ها را فراری دهد مکلف است این کار را انجام دهد اما اگر این امر مقدور نباشد وی می‌تواند در دفاع از ناموس خود به دفاع توسل جوید. همچنین است زمانی که فردی در یک مجلس یا سخنرانی قصد تعرض به عرض و آبروی فرد را داشته باشد که این فرد تکلیفی برای ترک

(میرمحمدصادقی، ۱۳۹۰: ۱۴۱) یعنی نمی‌توان به بهانه این که به دیگران آسیبی وارد نشود شخص مورد تهاجم قرار گرفته را ملزم به نقل مکان کرد.

برخی دیگر از دکتربین حقوقی بر این نظر می‌باشند که فرار از مقابل شخص متجاوز ننگ آمیز نیست و فرار کردن را بهتر از ارتکاب جرم و ارضای نخوت و غرور بیجا می‌دانند. (محسنی، ۱۳۷۶: ۲۴۸؛ صناعی، ۱۳۷۵: ۲۰۸ و ۲۰۹) همان‌طور که حق خودمختاری توضیح داده شد و در صدر ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی اشاره شده است یکی از موضوعات دفاع مشروع، عرض است. به نظر می‌رسد این گفته دکتربین حقوقی زمانی حاکم خواهد بود که عرض آبرو از موضوعات دفاع مشروع نباشد. منطقی می‌نماید در راستای احراز نظر قانون‌گذار هر عملی که موجب آسیب به آبروی مدافع شود (علی‌الخصوص در مقابل جمعیتی آشنا) قابل‌پذیرش نیست؛ که از مصادیق آن فرار کردن به هنگامه‌ای است که شخص مورد تهاجم قرار گرفته حق و امکان و توانایی دفاع را دارد.

۳-۴- نظریه مختار

با توجه به توضیحات بیان شده و بیان نظرات دکتربین در زمینه موضوع پژوهش باید گفت که در حقوق کیفری ایران در زمینه فرار در دفاع مشروع علی‌رغم اینکه تصریحی در قانون قابل‌مشاهده نبوده و در رویه قضایی نیز تشتت وجود دارد اما می‌توان با توجه به شرط ضرورت مصرح در ماده ۱۵۶ ق.م.ا و همچنین قاعده الاسهل فالاسهل در فقه قاعده کلی، «عدم پذیرش دفاع در صورت داشتن امکان فرار» می‌باشد اما این قاعده کلی استثنائاتی نیز داشته و نیازمند این هست که به صورت موردی به بررسی موضوع پرداخته شود. در این راستا توجه به چند نمونه می‌تواند راهگشا باشد؛

نخست، در صورتی که مهاجم به قصد قتل یا ضرب و جرح شخص به شخصی تهاجم نماید، در این حالت اگر مدافع امکان فرار داشته باشد وی موظف به فرار بوده و نمی‌تواند به بهانه دفاع مشروع آسیبی به مهاجم وارد سازد.

دوم، در حالتی که مهاجم قصد تعرض به مال فرد را دارد زمانی می‌توان از تکلیف مدافع به فرار صحبت کرد که وی

ناموس خود می‌باشد. به‌طور کلی می‌توان گفت هرگاه فرار موجبات ضرر مادی یا شخصیتی را برای مدافع به دنبال داشته باشد موضع فقها تغییر یافته و اصل وجوب و لزوم فرار برای وی کنار گذاشته می‌شود. در نظام کیفری ایران متأسفانه صراحتی در متون قانونی در زمینه امکان‌سنجی فرار در دفاع مشروع وجود نداشته و رویه قضایی نیز متأثر از این عدم تصریح، متشتت و متعارض است. امری که لزوم اصلاح قانون و پیش‌بینی حکم قانونی در این زمینه از سوی قانون‌گذار را ضروری می‌سازد. در شرایط فعلی و با توجه به لزوم احراز شرط ضرورت دفاع مقرر در ماده ۱۵۶ ق.م.ا، رویکرد و موضع قانون‌گذار، عدم پذیرش ایستادگی و دفاع اشخاص در برابر تهاجم در صورت داشتن امکان و شرایط فرار باشد. اما چنین حکم مطلق نمی‌تواند برای تمام فروع دفاع مشروع قابل‌پذیرش و منطقی باشد. ضروری است قانون‌گذار علاوه بر اشاره به موضوع بسیار مهم «فرار ایمن» در اصلاحات قانونی آتی، فروع و مواردی که مدافع به دلیل شرایط خاص زمانی، مکانی و شخصیتی مطابق بر موازین فقهی و رویه قابل‌قبول بسیاری از نظام‌های حقوقی دیگر، می‌تواند علی‌رغم امکان فرار اما در برابر مهاجم ایستادگی کرده و از جان، مال، آزادی تن و عرض ناموس خود یا دیگری دفاع نموده مشخص و معلوم نماید.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله تماماً توسط نویسنده، آقای سید سجاد کاظمی انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: انجام این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی بوده است.

مجلس و فرار ندارد و می‌تواند ایستادگی کرده و از عرض خود دفاع نماید.

چهارم، در دفاع از آزادی تن که موضوع پنجم دفاع مشروع می‌باشد نیز می‌توان گفت وقتی مهاجم صرفاً قصد دارد شخص را مورد آذمربایی قرار داده یا وی را گروگان بگیرد و شخص می‌تواند با فرار این اقدام مجرمانه را عقیم بگذارد وی موظف ب فرار بوده و حق توسل به خشونت برای جلوگیری از این اقدام مهاجم را ندارد.

در نهایت اینکه در تمامی موارد پیش‌گفته هرگاه مدافع مکلف به فرار باشد این تکلیف زمانی برای وی مقرر است که شرایط و موقعیت یک «فرار ایمن و بدون خطر» برای وی وجود داشته باشد. به دیگر سخن در صورتی که در هنگام فرار خطری مانند پرتاب سنگ یا چاقو، شلیک گلوله و... از جانب مهاجم شخص را تهدید نماید وی هیچ‌گونه تکلیفی به فرار نداشته و می‌تواند ایستادگی کرده حتی اگر منجر به آسیب به مهاجم گردد. همچنین است زمانی که در حین فرار خطری از جانب دیگری (یا قوای قهریه) مدافع را تهدید نماید. به‌عنوان مثال خطر افتادن وی از بالای کوه، غرق شدن در رودخانه یا حتی کشته شدن توسط فرد دیگری مدافع را تهدید نماید.

نتیجه‌گیری

با مطالب پیش‌گفته می‌توان نتیجه‌گیری کرد که رویکرد صفر و یکی به موضوع تجویز یا عدم تجویز فرار در دفاع مشروع رویکرد صحیحی نبوده و بایستی در هر پرونده به‌صورت موردی به بررسی موضوع پرداخت. از نقطه‌نظر تطبیقی، امکان دفاع برای مدافع علی‌رغم داشتن موقعیت فرار به‌عنوان یک اصل کلی در بسیاری از نظام‌های حقوقی موردپذیرش قرار گرفته اما حتی در این نظام‌های حقوقی نیز بر این اصل استثنائاتی وارد آمده است. در فقه جزایی نیز اگرچه نظر مشهور فقها مبنی بر لزوم فرار و عدم دفاع در مواردی است که مدافع امکان فرار را دارد بوده اما در میان فقها نظرات خاص و معتابه‌ای نیز در خصوص برقراری برخی استثنائات بر این اصل کلی مشاهده می‌گردد؛ مانند جایی که مدافع قصد دفاع از دیگری را دارد یا قصد وی دفاع از عرض و

- شوشتری، سید محمدحسن مرعشی (۱۴۲۷ ه.ق). دیدگاه‌های نو در حقوق. چاپ دوم. تهران: نشر میزان.

- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ه.ق). وسائل الشیعه. جلد ۱۵، قم: موسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام.

- صانعی، پرویز (۱۳۷۵). حقوق جزای عمومی. جلد اول. چاپ دوم. تهران: گنج دانش.

- عاملی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ ه.ق). مسالک الافهام. جلد دوم. چاپ اول. قم: موسسه الامعارف الاسلامیه.

- عطار، داود (۱۹۸۱). الدفاع شرعی فی الشریعه الاسلامیه. چاپ اول. بیروت: الدار الاسلامیه.

- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳ ه.ق). قواعد الاحکام. جلد سوم. چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- عوده، عبدالقادر (۱۹۸۱). التشریح الجنایی. جلد اول. بیروت: دارالکتب العربی.

- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷ ه.ق). المبسوط فی الفقه امامیه. جلد ۸. چاپ سوم. قم: المکتبه المرتضویه لاحیا الآثار الجعفریه.

- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). تحریر الوسیله (ترجمه فارسی). جلد ۱. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵). مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظم حقوقی ایران. چاپ یکصد و چهارم. تهران: شرکت سهامی انتشار.

- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ ه.ق). الکافی. جلد ۵. قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

- گویا، کوروس (۱۳۳۹). «سخنی چند در اطراف مسئله ضرورت و اجبار». مجله کانون وکلا، ۷۴: ۵۲-۵۸.

- گلدوزیان، ایرج (۱۳۶۹). «دفاع مشروع و اعمال در حکم دفاع مشروع». مجله کانون وکلا، ۱۵۰ و ۱۵۱: ۱۶۶-۱۹۴.

- مرعشی، محمدحسن (۱۳۷۶). دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام. جلد دوم. چاپ دوم. تهران: انتشارات میزان.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- استفانی، گاستون و دیگران (۱۳۷۷). حقوق جزای عمومی. ترجمه حسن دادبان. جلد یک. چاپ اول. تهران: انتشارات علامه طباطبایی.

- الهام، غلامحسین و برهانی، محسن (۱۳۹۵). درآمدی بر حقوق جزای عمومی. جرم و مجرم. جلد اول. چاپ دوم. تهران: انتشارات میزان.

- اخوت، محمدعلی (۱۳۸۵). تفصیل مسائل حقوق جزای عمومی (سلسله مقالات). چاپ اول. تهران: انتشارات صابریون.

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۵). حقوق جزای عمومی. جلد نخست. چاپ چهل و ششم. تهران: بنیاد حقوقی میزان.

- باهری، محمد (۱۳۸۹). حقوق جزای عمومی، چاپ سوم. تهران: انتشارات مجد.

- پیمانی، ضیاءالدین (۱۳۵۷). «بررسی تحلیلی قاعده حقوقی دفاع مشروع». نشریه مهنامه قضایی، اداره دادرسی نیروهای مسلح، ۱۵۰: ۴۸-۵۷.

- حسینی، سید محمد و رحیمی پور، ایمان (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی آثار شرط تناسب و عدم رعایت آن در دفاع مشروع با نگاهی به احکام «لص» در فقه و نظام حقوقی ایران و «دکترین قلعه» در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا». مجله حقوق تطبیقی، ۸ (۲): ۱۱۹-۱۳۸.

- شهید ثانی (۱۳۷۲). شرح لمعه. جلد ۹. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

- شمس ناتری، محمدابراهیم و زارع، محمدکاظم (۱۳۹۶). «بازشناسی مفهوم دفاع مشروع در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲». مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، بهار و تابستان، ۱۴۵-۱۲۵: (۱)۵۰.

- شمس ناتری، محمدابراهیم و عبدالله یار، سعید (۱۳۸۹). «دفاع مشروع و مبانی مشروعیت آن». مجله مطالعات حقوقی، ۲ (۲): ۱۰۳-۱۲۸.

- Frier & McGinn (2014). *A Casebook on Roman Family Law*. Oxford: Oxford University Press.
- Ferzan, K (2005). *Justifying Self-Defense*. New York: Springer publication.
- Garner, B. A (2004). *Black's Law Dictionary*. New York: West & Thomson business.
- Heinrich, B (2005). *Strafrecht - Allgemeiner Teil I (in German)*. Stuttgart: Kohlhammer.
- Jonsson, P (2014). "Racial bias and 'stand your ground' laws: what the data show". *Christian Science Monitor*. Retrieved May 3.
- Lafave, W. R (2004). *Criminal law*. Minnesota: West & Thomson publication.
- Ross, L. P. (2007). "Transmogrification of Self-Defense by National Rifle Association-Inspired Statutes: From the Doctrine of Retreat to the Right to Stand Your Ground". *Southern University Law Review*. 35(1): 273-291..

- محسنی، مرتضی (۱۳۷۶). دوره حقوق جزای عمومی (مسئولیت کیفری). جلد سوم. چاپ اول. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ ه.ق). قواعد فقه. جلد ۴. چاپ دوازدهم. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۶). حقوق کیفری اشخاص جرائم علیه اشخاص. چاپ ۲۳. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۰). تحلیل مبانی حقوق جزای عمومی. تهران: انتشارات جنگل.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۷۲). جواهر الکلام. جلد ۴۱. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نوربها، رضا (۱۳۸۳). زمینه حقوق جزای عمومی. چاپ نهم. تهران: نشر دادآفرین.

ب. منابع انگلیسی

- Ashworth, A. J. (2009). "Self-Defence and the Right to Life". *The Cambridge Law Journal*. 34(2): 282-307.
- Carpenter, C. L. (2015). "Of the Enemy Within, The Castle Doctrine, and Self-Defense". *Marquette Law Review*. 86 (4): 653-700.

